

۱- مدخل

داشت و لذا حقوق و علوم سیاسی، اقتصاد و بازرگانی در آن تدریس نمی‌شد.^۳ برای پر کردن این خلأ، درست یکصد سال پیش، به همت بعضی از ایران‌دوستان دانشمند، نخستین مؤسسه آموزش عالی برای تربیت کادر متخصص در زمینه علوم سیاسی، دیپلماسی و حقوق بین‌الملل در ایران با عنوان «مدرسه علوم سیاسی» تأسیس شد و به روشی کاملاً مترقی به آموزش عالی در سطح کارشناسی حقوق و علوم سیاسی آغاز به کار کرد و همین تأسیسات و تشکیلات، در واقع سنگ زیربنای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران قرار گرفت،^۴ به طوری که اولاً تمام اعضای هیأت علمی «مدرسه علوم سیاسی» از جمله علامه علی اکبر دهخدا به دانشگاه تهران منتقل شدند و ثانیاً بلافاصله پس از تأسیس دانشگاه تهران در ۱۳۱۳، گواهی‌نامه‌های صادر از این مدرسه عالی، «معادل با لیسانس» شناخته شد.

۳- تأسیس مدرسه علوم سیاسی در

۱۲۷۸

«مدرسه علوم سیاسی» به‌طور رسمی در ساعت سه بعدازظهر روز ۲۸ آذر ۱۲۷۸ برابر پانزدهم شعبان ۱۳۱۷- مصادف با سالروز میلاد امام عصر (عج) - با فرمان مظفرالدین شاه قاجار گشایش یافت. متن فرمان پادشاه زمان در مراسم رسمی افتتاح این مدرسه عالی به‌وسیله میرزا ناصرالله خان مشیرالدوله (وزیر امور خارجه وقت در کابینه میرزا علی اصغر خان امین السطان) قرائت شد. این میرزا نصرالله مشیرالدوله، پدر میرزا احسن خان مشیرالدوله و میرزا حسین خان مؤتمن‌الملک بود که یکی پس از دیگری مسؤولیت اداره مدرسه علوم سیاسی را برعهده گرفتند و مسلم است که این دو پسر و آن پدر، در تأسیس این مدرسه بسیار مؤثر بودند.

امسال (۱۳۷۸) یکصدمین سالگشت تأسیس نخستین مؤسسه آموزش عالی علوم سیاسی در ایران است. در اروپا، به‌مناسبت چنین سالگشت‌هایی پس از ۲۵ سال یا ۴۰ سال یا ۱۰۰ سال جشن‌هایی به‌پا می‌کنند. مقاله حاضر به‌منظور پاس‌داشت این میراث شایان افتخار در زمینه آموزش عالی در ایران در مقطع یکصدمین سالگشت نوشته شده است.

۲- زمینه تشکیل مدرسه علوم سیاسی

پس از شکست‌های متوالی ایران از روسیه در جنگ‌های ایران و روس که به انعقاد معاهده‌نامه‌های گلستان و ترکمن‌چای منجر شد، دست‌اندرکاران سیاست به‌فکر ترویج علم و صنعت و تعلیم و تربیت نسل جدید برای اخذ تمدن صنعتی اروپا افتادند. برای دستیابی به‌فراگیری علوم جدید و تربیت کادر متخصص، ایرانیان دو راه پیش روی داشتند که از هر دو نیز استفاده کردند: یکی اعزام محصل به اروپا و دیگری تأسیس مدارس جدید در ایران با استفاده از استادان اروپایی. تجربه اعزام دانشجویان ایرانی به‌فرنگ به‌طوری که از کتاب‌های متعدد مثل ایرانیان در بین انگلیسی‌ها (تألیف دنیس‌رایت Dennis Wright سفیر اسبق انگلیس در تهران)^۱ و کتاب ایران و غرب (تألیف سیروس غنی فرزند مرحوم دکتر قاسم غنی)^۲ برمی‌آید، نتیجه مثبت و مطلوبی به‌دست نداد. لذا اصلاح‌طلبان عصر همچون میرزا تقی خان امیرکبیر به فکر افتادند که ایرانیان را در داخل کشور با علوم و فنون جدید آشنا کنند و دارالفنون به همین دلیل در تهران تأسیس شد.

مدرسه دارالفنون که به همت امیرکبیر تأسیس شده بود، تنها به تربیت کادر متخصص در زمینه علوم نظامی، مهندسی و پزشکی اهتمام

یکصدمین سالگشت تأسیس مدرسه علوم سیاسی در ایران

پروفسور سیدحسن امین

دانشگاه علامه طباطبائی -

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

اکنون گزیده‌ای از فرمان رسمی مظفرالدین شاه را به مناسبت تأسیس این مدرسه - با حذف اضافات نامناسب - در اینجا نقل می‌کنیم:

«از آن روز که خداوند معبود، مرزبانی مملکت قدیم ایران و جانشینی سلاطین با افتخار کیان را به وجود مسعود همایون ما مخصوص و منصوص فرمود، اهم مقاصد و اعظم مآرب خود را ترقی دولت و آبادانی مملکت... فرمودیم... به این جهت اشارات ملوکانه ما به ایجاد مدارس و اعتلای معارف شرف صدور یافت... متممی که این نیت پاک و اراده تابناک لازم داشت، به ملاحظه اهمیت امور خارجه، یک مدرسه سیاسی که مدرس علوم عالی باشد که از سال چهارم سلطنت جاوید مدت ما در قرون آتیه به یادگاری باقی بماند و مستخدمین آینده وزارت خارجه و سایر دوائر دولتی پس از اخذ دیپلم و تصدیق اتمام تحصیل از آن مدرسه به عرصه چاکری و خدمت دولت قدم گذارند. لهذا به ریاست میرزا نصرالله خان مشیرالدوله - وزیر امور خارجه - امر به افتتاح آن مدرسه فرموده و برای بقاء و دوام این اساس رفیع از ابتدای هذه السنه تنگوزیل و مابعدها همه ساله مبلغ چهار هزار تومان بدون رسوم از بابت تذکره خراسان برای مخارج آن مدرسه منظور و مقرر می‌فرماییم که هر ساله وجه مزبور را اخذ و دریافت داشته به مصرف مخارج مدرسه رسانند.»^۵

ع- ارزش مدارک مدرسه علوم

سیاسی

«مدرسه علوم سیاسی» که بدین گونه در ۱۲۷۸ شمسی تأسیس گردید، بعدها با «مدرسه عالی حقوق» که در ۱۲۹۸ تأسیس شده بود، ادغام شد و عاقبت پس از تأسیس دانشگاه تهران در ۱۳۱۳، با ادغام شدن «مدرسه عالی تجارت»

به این دو به «دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی» دانشگاه تهران تبدیل گردید و مدارک تحصیلی آن معادل مدارج دانشگاهی شناخته شد.^۶ مدیر کل اداره «تعلیمات عالی» (آموزش عالی) «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» طی نامه‌ای در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۱۴ خطاب به یکی از فارغ‌التحصیلان «مدرسه علوم سیاسی» در سال ۱۳۰۶ تأیید کرده است که ارزش علمی «دیپلم مؤخراتی مدرسه سابق علوم سیاسی» معادل لیسانس شناخته شده است. متن این نامه چنین است:

«نشان شیر و خورشید

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره تعلیمات عالی

تاریخ ۱/۱۱/۱۳۱۴ [کذا]

آقای میرزا حسن خان شایسته معاون مدعی العموم دیوان عالی جزای عمال دولت:

در جواب مراسله مورخه ۱۴/۱/۱۷ راجع به ارزش دیپلم‌های مؤخراتی مدرسه سابق علوم سیاسی، اعلام می‌دارد: برحسب رأی اخیر شورای عالی معارف، دیپلم‌های مذکور، معادل لیسانس شناخته شده است.

مدیر کل وزارت معارف

امضاء و مهر

درباره مفاد و مضمون این سند، چند نکته به شرح زیر قابل توضیح است:

اولاً، صدور این سند از سوی مدیر کل وزارت معارف در ۱۳۱۴ درباره «مدرسه سابق علوم سیاسی» به این دلیل است که «مدرسه علوم سیاسی» در مهر ۱۳۰۶ با «مدرسه عالی حقوق» و سپس در ۱۳۰۹ با مدرسه تجارت ادغام شد و سرانجام هیأت علمی آن سه گروه آموزشی پس از تأسیس دانشگاه تهران به مجموعه دانشگاه جدیدالتأسیس کشور منتقل شدند و «دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی» را تشکیل دادند.

ثانیاً اشاره در این سند به «دیپلم مؤخراتی» به

○ پس از شکستهای

پی در پی ایران از روسیه که به انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمن‌چای انجامید، دست‌اندرکاران سیاست به فکر ترویج علم و صنعت و تعلیم و تربیت نسل جدید برای اخذ تمدن صنعتی اروپا افتادند.

○ از آنجا که تجربه اعزام دانشجویان به فرنگ چندان مثبت و مطلوب نبود، اصلاح طلبانی همچون میرزاتقی خان امیر کبیر به فکر افتادند که ایرانیان را در داخل کشور با علوم و فنون جدید آشنا کنند و به همین دلیل دارالفنون در تهران تأسیس شد.

این دلیل است که مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی دارای دو دوره تحصیلی مختلف مقدماتی و مؤخراتی بود. دوره مقدماتی به اخذ مدرک «باشلیه» (باکالوریا): Bachelor و دوره مؤخراتی به اخذ مدرک «لیسانس» (کارشناس) License منجر می‌شد و فارغ‌التحصیلان آن دوره به اصطلاح آن روز لیسانسیه Licentiate خوانده می‌شدند. از سال ۱۳۰۷ به بعد، دوره مقدماتی مدرسه حقوق و علوم سیاسی به دارالفنون منتقل شد.

ثالثاً، صدور این سند از «وزارت معارف» به این دلیل است که گرچه در آغاز، «مدرسه علوم سیاسی» وابسته به وزارت امور خارجه و «مدرسه عالی حقوق» وابسته به وزارت علوم و «مدرسه تجارت» وابسته به وزارت مالیه بود، این هر سه مدرسه پس از ادغام به وزارت معارف منتقل شدند. لذا در تاریخ صدور این سند، مدرسه علوم سیاسی که قبلاً زیر مجموعه وزارت امور خارجه بود، از اسفند ۱۳۰۵ به «وزارت معارف» (بخش «تعلیمات عالی») منتقل شده بود و البته تا قبل از تصویب قانون استقلال دانشگاه، همه مؤسسه‌های آموزش عالی از جمله دانشگاه تهران زیر نظر وزارت معارف (فرهنگ / آموزش و پرورش) اداره می‌شد.

رابعاً، مخاطب این نامه مرحوم حسین شایسته و کیل پایه یکم دادگستری (خواهرزاده مرحوم محمد شایسته ملقب به مشاورالدوله سفیر فقید ایران در لهستان) بود. حسین شایسته گذشته از این که فارغ‌التحصیل مدرسه علوم سیاسی بود، دوره دانشکده حقوق دانشگاه تهران را نیز گذرانید و مدتی هم سردبیر هفته‌نامه شنگول بود.^۷

۵- مدیران و استادان مدرسه علوم سیاسی

مؤسس و اولین رییس مدرسه علوم سیاسی در ۱۲۷۸ شمسی، مشیرالدوله حسن پیرنیا

(۱۲۵۰-۱۳۱۴) - مؤلف تاریخ ایران باستان و نخستین کتاب فارسی در حقوق بین‌الملل عمومی - بود و هم اوست که چند سال بعد در ۱۲۹۱ برای نخستین بار دیوان تمیز (دیوان عالی کشور) را در نظام قضایی ایران تأسیس کرد. پس از مشیرالدوله حسن پیرنیا، به ترتیب بزرگانی مانند مؤتمن‌الملک حسین پیرنیا، ذکاء‌الملک محمدعلی فروغی، دکتر سیدولی‌الله نصر به ریاست این مدرسه منصوب شدند. استادان اولین این مدرسه عبارت بودند از:

- ۱- حسن پیرنیا (درس: حقوق و حقوق بین‌الملل)
 - ۲- محمد مظاهر صدیق حضرت (درس: تاریخ حقوق، حقوق و دفترداری)
 - ۳- محمدتقی عمادالاسلام (درس: فقه)
 - ۴- میرزاحبیب‌الله (درس: فقه)
 - ۵- سرتیپ عبدالرزاق خان بغایری مهندس (درس: جغرافیا و هیأت)
 - ۶- دکتر مرل فرانسوی (درس: زبان فرانسه)
 - ۷- اردشیر جی ریپورتر (درس: تاریخ)
- استادان ایرانی این مدرسه در دوره‌های بعد عبارت بودند از:

- ۱- دکتر سیدولی‌الله خان نصر
- ۲- سیدمصطفی عدل
- ۳- عباسقلی مترجم‌الممالک
- ۴- شمس‌العلماء گرکانی
- ۵- میرزا عبدالعظیم قریب
- ۶- شیخ مهدی استاد منطق
- ۷- محمدعلی فروغی
- ۸- ادیب‌السلطنه سمیعی
- ۹- رجبعلی منصور
- ۱۰- میرزاطاهر تنکابنی^۸

مدرسه عالی حقوق که تأسیس آن به پیشنهاد فرانسویس آدولف پرنی (مستشار وزارت عدلیه) در ۱۲۹۲ تصویب شده بود، با شش سال تأخیر در ۱۲۹۸ شمسی شروع به کار کرد و موسیوپرنی، چهار استاد متخصص فرانسوی را در رشته‌های

حقوق بین الملل عمومی، حقوق تطبیقی، حقوق جنایی و اقتصاد برای تدریس در این مدرسه به ایران دعوت کرد. اینک متمیماً للفائده و تکمیلاً للعائنه نام چند تن از استادان حقوق اروپایی این مدرسه عالی را نیز در اینجا برمی شماریم:

۱- آدولف پرنی (درس: حقوق جزا و اصول محاکمات جزایی)

۲- موسیو هس (درس: حقوق جزا)

۳- موسیو دوفوسا (درس: حقوق مدنی)

۴- موسیو مزل (درس: حقوق بین الملل و تاریخ دیپلماسی)

۵- موسیو لونکل دوفورویل (حقوق مدنی)

۶- دکتر ویلهلم (پزشکی قانونی)

۷- موسیو لوزیور (درس: کلیات حقوق مدنی)

۸- موسیو دُلاپوز (درس: کلیات حقوق مدنی)

۹- موسیو گمار (درس: حقوق تجارت)^{۱۰}

این فهرست دراز از استادان خارجی که زیر نظر موسیو پرنی به تدریس در ایران اشتغال داشتند، گویای این واقعیت است که اولاً، نظام حقوقی ایران پس از مشروطه، بیش از هر کشوری از فرانسه تقلید و اقتباس شده بود. ثانیاً، باید توضیح داد که همه حقوقدانان و رجال اصلاح طلب ایران با جذب این نظام جدید حقوقی از اروپا، زیر نظر مستقیم اروپاییان موافق نبودند. از جمله مرحوم دکتر محمد مصدق (۱۲۶۱-۱۳۴۵) با این که خود در اروپا در رشته حقوق تحصیل کرده بود، با لایحه تجدید تشکیلات وزارت عدلیه دقیقاً از این جهت که استخدام مستشاران حقوقی فرانسه را پیش بینی می کرد، رسماً مخالفت کرد. این نوع مخالفت، همچنین از رساله ای که دکتر مصدق سال ها قبل از لغو کاپیتولاسیون به وسیله رضاشاه پهلوی، یعنی در دوره سلطنت احمدشاه قاجار به عنوان کاپیتولاسیون و ایران نوشته بود، به خوبی آشکار است. جالب آن است که مصدق مخالفت

با استخدام کارشناسان خارجی در ایران را حتی در مورد دکتر میلیسپوی آمریکایی (مدیر کل دارایی) نیز آشکارا تعقیب می کرد. با این همه باید تأکید کرد که خود دکتر مصدق هم اولین درسهای جدی خود را از استادان همین مدرسه علوم سیاسی (اگرچه بدون ثبت نام در این مدرسه) آموخته بود. گذشته از آن، شخص دکتر مصدق پس از تکمیل تحصیلات در سویس و بازگشت به ایران، به طوری که در بخش چهارم خاطرات و تألمات بدان تصریح دارد به دعوت دکتر ولی الله خان نصر رییس مدرسه علوم سیاسی، هفته ای دو ساعت در این مدرسه «اصول محاکمات» تدریس می کرد. دکتر مصدق یادداشت هایی را که برای این درس فراهم آورده بود، بعد در کتابی در سه مجلد با نام «دستور در محاکم» به هزینه خود منتشر کرد و این اولین کتابی است که در زمینه آیین دادرسی مدرن به فارسی منتشر شده است.

۶- فارغ التحصیلان مدرسه علوم

سیاسی

اینک به نام چند تن از فارغ التحصیلان مدرسه علوم سیاسی اشارت می شود: علی اکبر دهخدا - عبدالله مستوفی (مؤلف کتاب شرح زندگی من) - جواد عامری - عباسقلی گلشایبان - محمود هوده ای - اسدالله بهنام - جعفر پاک نظر - رهبر - اعتلاء - محمد شایسته - محمدعلی احتشام همایون - باقر عظیمی - محمود تقفی - علی محمد اویسی - اسماعیل مرآت - عبدالله انتظام - ابوالقاسم فروهر - عباسعلی قریب - علی اکبر سیاسی - محسن شاهرخی - حسن مشرف نفیسی - محسن رییس - صادق نصر - حسین شایسته - جواد میراحمدیان - حسن ستوده تهرانی - عباسقلی محصص - سید مجتبی

○ مدرسه دارالفنون تنها

به تربیت کادر متخصص در زمینه علوم نظامی، مهندسی و پزشکی اهتمام داشت و حقوق و علوم سیاسی، اقتصاد و بازرگانی در آن تدریس نمی شد. برای پر کردن این خلأ بود که یکصدسال پیش مدرسه علوم سیاسی به همت برخی از ایران دوستان دانشمند در تهران تأسیس شد.

دولت آبادی - سید محمدباقر حجازی - سیدعلی شایگان.^{۱۲}

دانشگاه تهران تأسیس شد.^{۱۵} در ۱۳۴۵ که سال ورود نویسنده حاضر به دانشگاه تهران بود، اولاً این هر سه رشته (حقوق قضایی، علوم سیاسی و اقتصاد) همچنان در یک دانشکده وجود داشت.

ثانیاً تا آن تاریخ (۱۳۴۵) تنها مرکز آموزش عالی حقوق در ایران همین دانشگاه تهران بود و استادان قدیمی این دانشکده مثل مرحومان شیخ محمد سنگلجی، سید محمد مشکوة، میرزا محمود شهابی خراسانی، دکتر احمد متین دفتری، دکتر سیدحسین امامی (امام جمعه) استادان ما بودند. برای اولین بار وقتی در سال دوم دانشکده حقوق دانشگاه تهران بودیم، یعنی در سال تحصیلی ۱۳۴۷-۱۳۴۶ دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی) اجازه یافت دوره «لیسانس حقوق جزا» را دایر کند و دو سال بعد یعنی در سال ۱۳۴۹ که سال فراغت ما از تحصیل از دانشگاه تهران بود، امتیاز «مدرسه عالی امور قضایی و اداری قم» به جناب آقای دکتر محمد حسین ضیایی بیگلری، که هم در علوم حوزوی مجتهد و هم در تحصیلات جدید حائز مرتبه دکتری بودند، داده شد و پس از آن دانشگاه‌های دیگر کشور هم به تأسیس دانشکده حقوق پرداختند که جوان‌ترین آنها دانشگاه علامه طباطبایی (بزرگترین دانشگاه علوم انسانی ایران) است که نویسنده در سال تحصیلی جاری ۱۳۷۸-۷۹ به تدریس در آنجا اشتغال دارم.^{۱۶}

ثالثاً، علم اقتصاد در آن سال‌ها همچنان در دانشکده حقوق تدریس می‌شد و بعدها دانشکده‌ای مستقل برای آن تأسیس شد. نزدیکی رشته اقتصاد و علوم سیاسی امری نیست که منحصر به دانشگاه تهران باشد، چنان‌که از یک سو در دانشگاه لندن، اقتصاد و علوم سیاسی در مدرسه بسیار معتبر London School of Economics and Political Sciences (LSE) توأم است و از سوی دیگر در دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه علامه طباطبایی

۷- محل مدرسه علوم سیاسی

محل مدرسه علوم سیاسی که در آغاز کار یکی از ادارات تابعه وزارت خارجه محسوب می‌شد، در خیابان ادیب بود. سپس به خانه بیگلریگی در خیابان برق (نزدیک بانک شاهی) منتقل شد.^{۱۳}

۸- تأمین بودجه مدرسه علوم

سیاسی

بودجه مدرسه علوم سیاسی برابر فرمان مظفرالدین شاه در ۱۲۷۸ مبلغ چهار هزار تومان از بودجه رسمی دولت بود که باید از طریق توزیع تذکره تأمین می‌شد. اما در استبداد صغیر، دولت محمدعلی شاه از پرداخت این مبلغ استنکاف می‌کند و لذا مدرسه برای ادامه فعالیت خود ناچار به اخذ شهریه از دانشجویان می‌شود. پس از فرار محمدعلی شاه، بودجه مدرسه دوباره از سوی دولت تأمین شد و پس از ادغام مدرسه علوم سیاسی در مدرسه حقوق در مهر ۱۳۰۶، کل بودجه آن در سال ۱۳۰۶، مبلغ ۱۶۱/۸۰۰ ریال (شانزده هزار و یکصد و هشتاد تومان) بود.^{۱۴}

۹- نتیجه گیری

تدریس علوم سیاسی و حقوق بین‌الملل با احتساب تاریخ تأسیس اولین مرکز دانشگاهی در رشته علوم سیاسی در ایران در ۱۲۸۷، یکصدسال سابقه دارد. در ۱۳۱۳ با ادغام مدارس عالی علوم سیاسی، حقوق و تجارت «دانشکده حقوق، علوم سیاسی و اقتصادی»

○ نظام حقوقی ایران
پس از مشروطه، بیش از هر
کشوری از فرانسه تقلید و
اقتباس شده بود.

و فرهنگی، ۱۳۷۴.

۶. دانشنامهٔ ایران‌شهر (نشریهٔ شمارهٔ ۲۲ انجمن ملی یونسکو)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۷۳۴.

۷. امین، سیدحسن، برگی از تاریخ ادبیات معاصر ایران، تهران، انجمن ادبی کمال، ۱۳۷۸، ص ۹.

۸. مبارکیان، عباس، چهره‌ها در تاریخچهٔ نظام آموزش عالی حقوق و عدلیهٔ نوین، تهران، پیدایش، ۱۳۷۷، صص ۱۵۳-۱۵۳۱.

۹. همانجا.

۱۰. همانجا.

۱۱. مصدق، محمد، خاطرات و تألمات، چاپ ایرج افشار، تهران، ۱۳۶۷، بخش چهارم. نیز ترجمهٔ انگلیسی آن به قلم نویسنده و دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان به شرح زیر:

Musaddiq's Memoirs, translated by S.H.Amin and H. Katouzian, London, 1988, p.128, pp.160-161.

۱۲. انتظام، عبدالله، عکس‌های تاریخی، وحید، دورهٔ چهاردهم (۱۳۵۵)، شمارهٔ مسلسل ۱۹۶، ص ۳۹۸؛ گلشایبان، عباسقلی، گذشته‌ها و اندیشه‌های زندگی، تهران، اینشتین، ج ۱، صص ۴۳-۴۶.

۱۳. مبارکیان، همانجا.

۱۴. صبا، محسن، بودجهٔ مدرسه علوم سیاسی به سال ۱۳۰۱، راهنمای کتاب، سال ۱۵ (۱۳۵۱)، صص ۳۱۴-۳۱۵.

۱۵. حکمت، علی اصغر، «دانشگاه تهران چه گونه به وجود آمد»، وحید، سال ۱۳ (۱۳۵۴)، ش ۲ (شمسلسلسل ۱۷۹)، ص ۱۹۰.

۱۶. راهنمای دانشگاه تهران، ۱۳۱۸ به بعد (بخش دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)؛ صدیق، عیسی، چهل گفتار، تهران، ۱۳۵۲، صص ۲۸۴۰؛ همو، تاریخ فرهنگ ایران.

هم از قدیم دانشکدهٔ علوم اقتصادی و سیاسی با هم توأم بوده‌اند.

نویسنده در این مقطع یاد همهٔ استادان حقوق و علوم سیاسی را در یکصد سالهٔ اخیر گرامی می‌دارد و به روان پاک بزرگانی که در تأسیس این مدارس عالی در زمینهٔ علوم سیاسی، حقوق و اقتصاد در مسیر بنیان‌گذاری آموزش عالی کوشیده‌اند، از صمیم قلب درود می‌فرستد:

«آمد نوروز و هم از بامداد»

آمدم از حق معلم به‌یاد

یادداشت‌ها

1. Wright, Dennis, *The Persian amongst the English*, London, 1970.

2. Ghani, Cyrus, *Iran and the West*, London, 1989.

۳. به طوری که از نامه‌های امیر کبیر پیداست، هدف اصلی او از احداث این مدرسه تعلیم و تربیت نظامیان کار آمد و افسران ورزیده برای ارتش ایران بوده است. ر.ک. نامه‌های امیر کبیر به کوشش سیدعلی آل داود، تهران، نشر تاریخ، ۱۳۷۱، صص ۱۹۳-۱۹۲.

۴. تفرشی، مجید، «مدارس عالی حقوق و علوم سیاسی در ایران از ابتدا تا تأسیس دانشگاه تهران»، گنجینهٔ اسناد، سال اول (۱۳۷۰)، شم ۱، صص ۵۳-۸۱؛ پهلوان، چنگیز، «دربارهٔ مدرسهٔ علوم سیاسی»، در زمینهٔ ایران شناسی (مجموعهٔ مقالات)، کتاب اول (زمستان ۱۳۶۸)، صص ۳۲۷-۴۱۳ و کتاب سوم (زمستان ۱۳۷۰)، صص ۳۴۱-۴۱۰ و هدایتی، محمدعلی، «آغاز آموزش حقوق جدید در ایران»، ناموارهٔ دکتر محمود افشار، ۱۳۶۵، صص ۱۰۱۵-۱۰۱۰؛ مستوفی، عبدالله، زندگی من، تهران، ۱۳۵۰، بخش‌های دوم و سوم.

۵. یغمایی، اقبال، وزیران علوم، تهران، انتشارات علمی

○ شادروان دکتر محمد مصدق با این که خود در اروپا در رشتهٔ حقوق تحصیل کرده بود، بالایحهٔ تشکیلات جدید وزارت عدلیه دقیقاً از این جهت که استخدام مستشاران حقوقی فرانسوی را پیش‌بینی می‌کرد، مخالفت نمود.